

یادداشت
زینب بیات
فعال فرهنگی اهل افغانستان

یک بازی و چند گپ

پس از سال ها، خیابان‌های کابل و هرات و شهرهای مختلف افغانستان، کاروان خوشی را به خود دید، خیابان‌هایی که چندین دهه انفجار، آتش و خون را لمس کرده بودند. مردم خوشی کردند، خندیدند و در کنار هم فرشی از سربلندی و افتخار برای بازیکنان تیم ملی فوتبال خود پهن کردند.

جهان، تصاویر بی‌نظیری از بازیکنان فوتسال افغانستان را در کنار مردم و خانواده‌هایشان به تماشا نشست. برق شادمانی چشمان پدری افغانستانی در کنار فرزند قهرمانش، با خط‌های عمیق روزگار روی پیشانی که خود روایتگر ناگفته‌های بسیاری از زندگی مردم ماست.

اما چند گپ و نکته درباره این بازی:

۱.این شادمانی برای مردم افغانستان از آن جهت خاص بود که سال‌ها و دهه‌هاست مردم این سرزمین فقط رنج را در آغوش گرفته‌اند. زخم خورده‌اند، کشته شده‌اند، گریسته‌اند و سروهای رعنایی را در زیر خاک دفن کرده‌اند. وقتی فکر می‌کنی به چندین دهه جنگ، آوارگی و لایه‌لایه رنج‌های عمیق مردم افغانستان و اینکه این نوجوانان از بستر همین محدودیت‌ها و تنگناهای بسیار اجتماعی و اقتصادی خود را بالا کشیده و به اینجا رسانده‌اند و مثل جوانان و بازیکنان بسیاری از کشورها امکانات ویژه‌ای نداشته‌اند، دست بیشتر برایشان بالا می‌رود و یک ستاره ویژه قهرمانی بر شاه‌هایشان نصب می‌کنی.

۲.تیم‌های ایران و افغانستان همواره برای مردم ما جدایی از هم نداشته‌اند. نام‌ها، زبان و لهجه‌ها روایتگر این یگانگی است. هر دو تیم از خود ماست. این را، شور و اشتیاق ما مردم افغانستان برای برد تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات مختلف با کشورهای جهان تأیید می‌کند که بردشان برد ما بوده و باختشان باخت ما.

۳. در بین بازی و پایان بازی صحنه‌هایی هیجانی رخ داد که ای کاش این طور نمی‌شد و دو تیم فارسی‌زبان، رفتاری مداراجویانه را پیش چشم جهان به تصویر می‌کشیدند، به خصوص که زبان فارسی گنجینه اخلاق، جوانمردی و مداراست.

بحثی هم درباره سن بازیکنان تیم فوتسال افغانستان مطرح شد که تحت تأثیر همین فضای هیجانی بود و مستنداتی برای آن ارائه نشد. این مسابقات، مسابقات محلی یک منطقه و ولایت کوچک نبود. مسابقات فوتسال آسیاست و به احتمال قوی سنجش‌هایی دقیق برای سن و سال واقعی افراد و عدم تقلب انجام می‌شود.

۴. بخش دیگری که همواره حاشیه‌ساز بوده، واکنش گزارشگران مسابقات فوتبال و فوتسال است. در این مسابقه نیز گزارشگر فوتبال سمت افغانستان، با جملات و عباراتی ناسنجیده و هیجانی سبب آزرده شدن دل دوستان ایرانی شد.

قدرت کلام و چینش کلمات همواره می‌تواند وصل‌کننده یا مایه افتراق و شکررنجی باشد. ابزاری که در دست گزارشگران است و صرف نظر از مهارت توصیف گل زدن و گل گل گفتن، شایسته است بر آداب کلام هم مسلط باشند.

این نوع واکنش ناسنجیده گزارشگران البته ایرانی و افغانستانی ندارد. چه بسا گزارشگران ایرانی هم در صحبت‌هایشان با لحنی تحقیرآمیز درباره افغانستان اظهار نظر کرده‌اند؛ فارغ از اینکه متوجه باشند مهاجران افغانستانی پای برنامه نشسته‌اند و این صدا را مردم هم‌زبان افغانستان هم خواهند شنید و مایه رنجششان خواهند شد.

۵. در هر صورت امیدواریم دو ملت هم‌زبان ایران و افغانستان همواره در صلح و آرامش زندگی کنند. جوانان و نوجوانانشان همواره بدرخشند، شادمانی را در آغوش بکشند و تیم‌های ورزشی‌شان هم بارها در مسابقات قهرمانی شرکت کنند و مهم‌تر از هر برد و باختی، جام اخلاق و جوانمردی را به خانه ببرند.

گزارش

هدایت جاوید ۱- تحولات پاییز ۱۴۰۱ و فتنه زن، زندگی، آزادی، فرصت خوبی برای آغاز همه‌جای دیگر به ایران با هدف نهایی فروپاشی جمهوری اسلامی بود. دشمن با گماردن وبه خط کردن عناصر نفوذی خود میان مردمی که بعضاً مشکلات اقتصادی آن‌ها را به خیابان کشانده بود، سعی در به آشوب کشیدن و اغتشاش و در نهایت ماهی‌گیری از این وضعیت بود. به مرور زمان و با جداشدن صف مردم از خرابکاران، شکست دسیسه محور غربی – عبری قطعی شد. با این حال آن‌ها با هدف ادامه دادن کار، دامن زدن به مسائل قومی و مذهبی در مناطق اقلیت‌نشین رادر سرخط اهداف خود قرار دادند.

در این پازل، مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین به دلیل ویژگی‌های خاص آن، به‌طور ویژه مورد توجه قرار داشت، مهسا امینی دختری کردزبان و اهل سنت بود و همچنین بازی با کلیدواژه‌هایی مانند جمعه خونین زاهدان، این بهانه را بیش از پیش برای ایجاد آشوب در کردستان و سیستان و بلوچستان مهیا می‌کرد. با این حال مدیریت درست مسئله از سوی مردم و نیروهای امنیتی پروژه دشمنان برای تحریک شهروندان در مناطق مرزی و قومیتی را هم به‌ناکامی کشاند.

۲- شکست دشمن اما پایان دسیسه‌چینی نیست.بر اساس نشانه‌های موجود آن‌ها توطئه گام به گامی را به ویژه در جنوب شرق کشور برای دستیابی به اهداف خود کلید زدند. در گام نخست آمریکا ورژیم صهیونیستی، با ابزار تروریسم و با هدف ایجادفاصله میان شهروندان منطقه وحاکمیت، حمله بهنیروهای امنیتی و انتظامی رادر دستور کار قرار دادند. هجوم به چندین مقر نظامی راسک، چاپهار

گزارش تحلیلی قدس از یک روایت غربی درباره رقابت ایران ورژیم صهیونی برای حضور و نفوذ در آسیای مرکزی

میدان استراتژیک همسایگی



سیدحسین حسینی | آسیای میانه این روزها به صحنه رقابت پیچیده‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی تبدیل شده‌است؛ رقابتی که از مرزهای نظامی فراتر رفته و در چارچوب نهادهای منطقه‌ای و همکاری‌های چندجانبه دنبال می‌شود. بر اساس گزارش مؤسسه بروکینگز، ایران با استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و سازمان همکاری شانگهای تلاش دارد نفوذ خود را از مسیر ترانزیت انرژی و پیوندهای فرهنگی در کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان گسترش دهد. در مقابل، اسرائیل با اتکا به ناتو و پیمان ابراهیم، راهبردی غرب‌محور را دنبال می‌کند؛ از فروش پهپاد و فناوری آبیاری در قزاقستان و قرقیزستان تا قراردادهای دو جانبه با ترکمنستان، هدف تل آویو تقویت نفوذ امنیتی و فناوریانه غرب در منطقه‌است.

در همین راستا، روزنامه قدس در گفت‌وگو با سه تن از کارشناسان امنیتی، دفاعی و بین‌المللی، ابعاد و پیامدهای این جنگ نهادهی خاموش را بررسی می‌کند.

■ نفوذ ایران مبتنی بر منطق است، نه زور و جنایت

«محمداسماعیل کوثری» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با روزنامه قدس درباره نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه و مقایسه آن با ایران، تأکید کرد: اسرائیل واقعاً عددی نیست که بتوان آن را با

قدرت ایران مقایسه کرد، اما تلاش‌های آن در منطقه عمدتاً به نیابت از آمریکا انجام می‌شود.

وی با اشاره به روش‌های متفاوت نفوذ، گفت: هر کشوری ممکن است بخواهد با زور یا جنایت نفوذ کند و یا با منطق و استدلال قوی. اسرائیل وقتی نفوذ می‌کند، معمولاً مسیر جنایت و اشغال را در پیش می‌گیرد، همان‌طور که در فلسطین مشاهده شد و مردم بی‌گناه قربانی اقدام‌های آن‌ها شدند.

این عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، تصریح کرد: نفوذ ایران اما مبتنی بر منطق و قدرت استدلال است و مردم و کشورها به این دلیل آن را قبول می‌کنند. تفاوت اصلی همین است؛ نفوذی که بر پایه منطق و همکاری باشد، پایدار و قابل قبول است، در حالی که نفوذ زورمدار و خشونت‌آمیز، تنها خشونت و جنایت به همراه دارد.

وی تأکید کرد: ابعاد مختلف قدرت نرم ایران و نفوذ زورمدارانه اسرائیل در منطقه همین تفاوت را به وضوح نشان می‌دهد

و می‌تواند راهنمایی برای بررسی سیاست‌های منطقه‌ای تهران باشد.

■ قفقاز و آسیای مرکزی؛ میدان استراتژیک همسایگی ایران

«حمید حکیم» کارشناس مسائل اوراسیای مرکزی هم در گفت‌وگو با روزنامه قدس، گفت: قفقاز و آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی سابق، شاهد تحولات ژئوپلیتیکی گسترده‌ای بوده‌اند. استقلال کشورهای این منطقه و تغییرات ژئوپلیتیکی حاصل از آن، ارزش استراتژیک این مناطق را دوچندان کرده‌است. این منطقه برای مایه عنوان یک حائل میان سه قدرت منطقه‌ای و جهانی – چین، ایران و روسیه – عمل می‌کند و میراث تمدنی و تاریخی مشترکی با ایران دارد که همچنان در اشتراکات فرهنگی و اقتصادی قابل لمس است.

این استاد دانشگاه درباره اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی این منطقه، اظهار کرد: آسیای مرکزی و قفقاز به‌ویژه آسیای مرکزی، ظرفیت بالایی برای مکمل‌سازی اقتصاد ایران دارند. این مناطق به‌لحاظ ایدئولوژیک چالش کمتری ایجاد می‌کنند و با توجه به تحریم‌های ظالمانه، همسایگی با آن‌ها برای جمهوری اسلامی ایران از اولویت بالایی برخوردار است.

دکتر حکیم با اشاره به ظرفیت‌های نفتی و ژئوپلیتیکی منطقه گفت: این منطقه مجاور دریای خزر و نفت‌خیز است و نزدیکی به مناطق مسلمان‌نشین و کشورهایی مانند سین کیانگ چین، روسیه و سایر همسایگان، اهمیت استراتژیک آن را برای ایران مضاعف می‌کند. به‌لحاظ ژئوپلیتیکی، حضور ایران در این مناطق حیاتی است و می‌تواند مانع نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای شود.

این کارشناس مسائل اوراسیای مرکزی درباره حضور اسرائیل در منطقه شمال شرقی ایران، افزود: آسیای مرکزی و قفقاز برای رژیم صهیونیستی نیز اهمیت دارد، به‌خصوص آسیای مرکزی که نسبت به قفقاز کمتر شناخته شده است. این منطقه هم‌محور ایران و دارای جمعیت مسلمان است و با وجود چالش‌های اقتصادی برخی کشورها، زمینه نفوذ اسرائیل را فراهم می‌کند.

وی تصریح کرد: برای ایران طبیعی است که حضور و نفوذ خود را در این منطقه تقویت کند. اگر کسی حق حضور در این منطقه را دارد، آن ایران است، نه رژیم جعلی صهیونیستی.

■ موقعیت استراتژیک ایران، سد مقابل نظم نوین غرب

«سیدجلال امینی» کارشناس مسائل دفاعی و منطقه‌ای در گفت‌وگو با روزنامه قدس با اشاره به جایگاه استراتژیک ایران در قاره آسیا، گفت: ایران در قلب هارتلند جهان قرار دارد و موقعیتی دارد که هیچ جای دیگر جهان نمی‌تواند با آن مقایسه شود. از ۱۴ نقطه راهبردی جهان، هفت نقطه در همین منطقه قرار دارد؛ از جمله کانال سوئز، تنگه هرمز و باب‌المندب. این منطقه محل اتصال سه قاره و سرشار از منابع نفت و گاز و معادن است بنابراین اهمیت آن برای نظام سلطه ورژیم صهیونیستی انکارناپذیر است.

دکتر امینی معتقد است: غرب آسیا صحنه تقابل دو تمدن است؛ تمدن پوشالی غرب با سرمداری استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی در مقابل تمدن اسلامی با پرچمداری جمهوری اسلامی ایران.

وی با تأکید بر تلاش رژیم صهیونیستی برای تحقق رؤیای اسرائیل بزرگ، افزود: غرب و آمریکا از طریق رژیم صهیونیستی در تلاش‌اند نظم نوین منطقه‌ای خود را مستقر کنند و ایران به عنوان گسل و بلوک غرب آسیا در مقابل این پروژه قرار دارد. آن‌ها از چند مسیر برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کنند: تجزیه کشورها مانند لیبی و سودان، شکل‌گیری دولت‌های ضعیف و وابسته مثل دولت ترور بیستی محمد الجولانی در سوریه، فشار بر جریان مقاومت در لبنان، عراق و یمن و اعمال گزینه‌های نظامی، اطلاعاتی و سایبری علیه جمهوری اسلامی ایران.

این کارشناس مسائل دفاعی با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد تنگنای راهبردی و خفگی ژئوپلیتیکی علیه ایران، گفت: ایران با موقعیت ویژه خود در مسیرهای ترانزیتی شمال به جنوب و شرق به غرب، همچنان جذابیت و امنیت مسیرها را حفظ کرده و با تسهیل‌گری و ارزان‌سازی مسیرها، موقعیت استراتژیک خود را تثبیت می‌کند. دشمن با کردیوهای جعلی و فشار اقتصادی و امنیتی، قصد محدود کردن ایران را دارد، اما موفق نخواهد شد.

رئیس‌جمهور در بازدید از راکتور تهران و مرکز تولید رادیودارو تأکید کرد تأسیسات هسته‌ای را دوباره و با قدرت بیشتری می‌سازیم

مانیفست هسته‌ای پزشکیان

غفلت می‌کنیم. حل این چالش بر عهده دانشمندان و نخبگان کشور بوده و همین توانمندی‌هاست که دشمن را نگران کرده و موجب خصومت آنان با دانشمندان ایرانی شده‌است. پزشکیان با تأکید بر ضرورت بهره‌برداری درست از منابع کشور تصریح کرد: این ما هستیم که انتخاب می‌کنیم از منابع موجود در کشور چه تولید کنیم، چگونه تولید کنیم، با چه کیفیتی و در کجا توزیع کنیم و این نخبگان ما هستند که می‌توانند به این امر زمینه‌کمک کنند.

۴- و سرانجام، تجلی عزم و اراده ملی در قالب صنعت هسته‌ای

پزشکیان با تأکید بر اراده دولت برای حمایت کامل از توسعه صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز کشور تأکید کرد: تأسیسات هسته‌ای را دوباره و با قدرت بیشتری می‌سازیم. وی ادامه داد: دولت با تمام توان از پیشرفت و تقویت این ظرفیت‌ها پشتیبانی خواهد کرد. با تلاش دانشمندان و برنامه‌ریزی دقیق می‌توانیم سهم بیشتری از بازار جهانی کسب کنیم. قدر شما دانشمندان را می‌دانیم و دست در دست هم برای سربلندی ایران عزیز تلاش خواهیم کرد.

وی بیان کرد: جوانان و نخبگان ما توان حل مشکلات و پاسخ به نیازهای کشور را دارند و این گونه نخواهد بود که بنشینند و کاری نکنند و کشور محتاج صنایع و محصولات آن‌ها باشد. آن‌ها این توانمندی‌ها را با نیازهای ملی پیوند زده‌اند و این مسیر را با قدرت ادامه می‌دهند.

جنوب شرق کشور همچنان درگیر دسیسه محور غربی - عبری است

حرکت خرنده تروریست‌ها در سیستان و بلوچستان

می‌کردند. اما در حالی که ولتمردان جمهوری اسلامی با هدف زدودن سایه عقب‌ماندگی از چهره منطقه آستین‌ها را بالا زده و طرح کلان توسعه ساحل مکران را کلید زدند، رویارویی جیش الظلم با مردم بلوچ آشکار شد. بر این اساس ۲۸ اردیبهشت ماه امسال بود که عناصر گروهک در اقدامی کاملاً ضد مردمی و مقابل توسعه منطقه، اقدام به آتش زدن ۲۹ دستگاه ماشین آلات راهسازی در روستای «بُز پیران» از توابع شهرستان بمپور کردند؛ ماشین آلاتی که قرار بود در خدمت آبادانی منطقه باشد. همین سه هفته پیش (۲۰ مهر) نیز تعدادی افراد ناشناس و مسلح به خودرو یکی از مهندسان پروژه انتقال آب چاپهار- زاهدان در سیستان و بلوچستان حمله کرده و آن را به آتش کشیدند. البته این دست اتفاق‌ها را نباید چندان عجیب دانست. جیش الظلم که خود را حامی قوم بلوچ معرفی می‌کند، ۱۷ فروردین ماه در بیانیه‌ای به صراحت هدف عملیات‌های تروریستی خود را، «ناکام گذاشتن پروژه و طرح توسعه سواحل مکران» عنوان کرده بود!

۵- اما در شرایطی که تمام اقدام‌های تروریست‌ها و اربابان آن‌ها برای ایجاد اغتشاش و امنی در جنوب شرق به سنگ بزرگ مردم برخورد کرده، در ادامه خط

توطئه، این روزها به نظر اختلاف‌افکنی و ایجاد نزاع شیعه- سنی در سیستان و بلوچستان مدنظر دشمن قرار گرفته‌است. ترور علما، معتمدان محلی و عوامل بومی امنیت در همین راستاست. بر این اساس همین دیروز بود که روابط عمومی قراگاه قدس نیروی زمینی سپاه از شهادت دویسجی اهل سنت، در جاده خاش به زاهدان در منطقه اسکِل آباد و در حمله تروریست‌ها خبر داد. ۲۷ مهر ماه نیز روابط عمومی قراگاه قدس سپاه با صدور بیانیه‌ای از جنایت اخیر گروهک‌های تروریستی وابسته به رژیم صهیونیستی در به شهزادت رساندن جمعی از بزرگان و سران طوایف اهل سنت در سیستان و بلوچستان از جمله شهیدان گرانقدر ملاکمال، رضا آذکیش، پرویز کدخدایی، شمس آسکانی و... پرده برداشت. ۶- هم‌زمانی عجیب حملات تروریستی گروهک جیش الظلم به نیروهای امنیتی در روز تهاجم صهیونیست‌ها به کنسولگری ایران در دمشق و همچنین روز حمله هوایی رژیم به خاک کشورمان، در همبستگی ذاتی میان دو گروهک صهیونیسم و تروریسم شکی باقی نمی‌گذارد. امروز روشن است که دست‌کشید دشمن در راستای ناویم سازی جنوب شرق کشور از آستین جیش الظلم بیرون زده‌است. حمله به عوامل امنیتی و انتظامی، مراکز دولتی و خدمات‌رسان، تخریب پروژه‌های عمرانی و در نهایت هدف قرار دادن ریش سفیدان و متنفذان شیعه و سنی که با هدف ایجاد فتنه قومی و مذهبی در منطقه انجام می‌گیرد، در همین پازل توطئه گام به گام گنجانده می‌شود که مطمئناً مثل همیشه با درایت مردم به شکست کشیده خواهد شد.